

بررسی قابلیت استعمال قاعده «دم المسلم لا یبطل» در خصوص جنایت ناشی از بیماری واگیر^۱

علمی - پژوهشی

موسی حکیمی صدر *

مهدی نارستانی **

چکیده

قاعده «دم المسلم لا یبطل» بیانگر این اصل کلی است که خون فرد مسلمان هدر نمی‌رود و با قصاص یا دیه قابل جبران است. در آموزه‌های اسلامی این قاعده بیانگر مسئولیت حاکمیت در قبال افراد محقون الدمی است که بی‌دلیل به قتل رسیده‌اند و حاکمیت اسلامی نتوانسته قاتل آن‌ها را بیابد. حفظ جان شهروندان در سایه امنیت همه‌جانبه از وظایف مهم حاکمیت‌هاست و گاه این امنیت در اثر بیماری‌های واگیر که عامل شیوع و فراگیری آن انسان‌ها و ارتباطات اجتماعی آنان است به خطر می‌افتد. هدف این پژوهش بررسی اصل ضمان و فروض ضمان بیت‌المال در خصوص قتل‌های ناشی از بیماری واگیر است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای سامان یافته است. در این راستا ادله فقهی قاعده «دم المسلم لا یبطل» مورد کنکاش قرار گرفته و با توجه به مواد مرتبط در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ سعی در نیل به هدف این پژوهش شده است. در پایان به‌عنوان نتیجه می‌توان گفت در قتل عمد، شبه عمد و خطای محض در شرایطی می‌توان بیت‌المال را ضامن پرداخت دیه قتل ناشی از بیماری واگیر دانست.

کلیدواژه: بیماری واگیر، ضمان بیت‌المال، ماده ۴۸۷ ق.م.ا، انواع قتل.

۱- تاریخ وصول: (۱۳۹۹/۱۰/۰۵) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۱/۰۳/۱۸)

* استادیار، گروه فقه، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (نویسنده مسؤول) (m.hakimi@hsu.ac.ir)

** استادیار، گروه حقوق، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (m.narestani@hsu.ac.ir)

۱- مقدمه

دین اسلام برای جان انسان احترام ویژه‌ای قائل است و در آیات متعددی از قرآن کریم به این مهم اشاره گردیده است (آیه ۳۲ سوره مائده، آیه ۹۲ سوره نساء، آیه ۹۳ سوره نساء) و علاوه بر این یکی از مصالح خمس احکام الهی حفظ جان دانسته شده است. در اصل بیست و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر مصونیت جان تمام افراد جامعه تأکید شده است و ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بیان می‌کند: «هرکسی از حق حیات، آزادی و امنیت برخوردار است».

حفظ جان شهروندان در سایه امنیت در تمام ابعاد آن اعم از امنیت ملی، اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی و ... قابل تحقق است.

قاعده «دم المسلم لا یبطل» که برخی آن را قاعده «دم المسلم لا یذهب هدراً» (تبریزی، ۱۴۲۹ ق، ۱/۱۶۳) تعبیر کرده‌اند اجمالاً بدین معنا است که اگر مسلمانی، به قتل رسید خونش هدر نمی‌رود و این خون با قصاص و یا دیه جبران می‌شود. مفاد این قاعده در کلام برخی از فقها اجماعی دانسته شده (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ۴۳/۴۱۰) در کتب قواعد فقهی کمتر به قاعده «دم المسلم لا یبطل» به‌طور مستقل و تحت عنوان یک قاعده خاص پرداخته شده است. در خصوص این قاعده پژوهش‌هایی انجام شده^۱؛ اما کاربرد این قاعده در مورد بیماری‌های واگیر در کلام فقها و فقه پژوهان مورد بررسی مستقل قرار نگرفته است.

فقهایی بسیاری از گذشته تا حال برای اثبات دیه بر بیت‌المال در حالتی که قاتل ناشناخته است به این قاعده استناد کرده‌اند. (مفید، ۱۴۱۳ ق، ۷۴۱؛ محقق حلی، ۱۴۱۲، ۳/۳۹۷؛ مکارم، ۱۴۲۷ ق، ۳/۴۸۷؛ بهجت، ۱۴۲۶ ق، ۵/۵۸۱). در خصوص

۱. مقاله «مسئولیت دولت در جبران خسارت قربانیان کرونا» که به بررسی مبانی حقوقی مسئولیت دولت در خصوص بیماری‌های واگیر پرداخته است ولی به قاعده «دم المسلم لا یبطل» به‌طور مستقل نپرداخته است. مقاله دیگری که به مسئولیت دولت اشاره کرده مقاله «مسئولیت مدنی دولت در قبال بیماری‌های واگیر (بررسی موردی: کووید-۱۹)» که به مسئولیت مدنی دولت پرداخته است و اشاره ای به بحث دیه نشده است. مقالات دیگری نیز در خصوص قاعده دم المسلم لا یبطل چاپ شده است که عبارتند از: «مبانی قاعده «ابطال ناپذیری خون محترم» با رویکردی به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲» نوشته ابوالفضل علیشاهی قلم‌جوئی و طحیه احمدی؛ «قاعده لا یُطَلَّ دَمُ اَیْرٍ مُسْلِمٍ» نوشته حجت عزیزاللهی؛ «مبانی پرداخت دیه از بیت المال» نوشته حسینی بای. شایان ذکر است مطالعه این مقالات در تدوین این نوشتار راهگشا بوده است اما هیچ یک به مسئله این پژوهش نپرداخته است.

قاعده «دم المسلم لا یبطل»، فرض محل بحث این پژوهش حالتی است که فردی در اثر انتقال بیماری واگیرداری که از انسان ناشناخته‌ای به او رسیده جان خود را از دست داده است؛ در این حالت آیا می‌توان به استناد قاعده دم المسلم لا یبطل حکم به لزوم پرداخت دیه از بیت‌المال نمود؟

در راستای پاسخ به سؤال اصلی این پژوهش که درواقع نوعی مصداق شناسی برای قاعده «دم المسلم لا یبطل» و بیان حکم وضعی هریک از این مصداق است، ابتدا باید ادله این قاعده و مفاد این قاعده موردبررسی قرار گیرد و سپس انطباق یا عدم انطباق قاعده بر موضوع قتل ناشی از بیماری‌های واگیردار تحلیل شود.

۲. تبیین الفاظ قاعده

این قاعده با عناوین مختلفی در کتب فقهی آمده است (قورچی‌بیگی، مجید، ملکی، علی، ۱۹۴، ۲۰۲۰) که عبارت‌اند از: الف) لایبطل دم امرئ مسلم (صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص: ۱۰۱ - طوسی، ۱۳۹۰ ق، ج ۳، ص: ۲۶ - کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۷، ص: ۲۹۵). ب) لَا یَبْطُلُ حَقُّ مُسْلِمٍ (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۷، ص: ۳۰۲). ج) لَا یُیْبَطِلُ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ (صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص: ۱۲۸). د) لایبهدر دم المسلم (کوه کمری، ۱۴۰۹ ق، ص: ۱۵۵).

با توجه به اهمیت الفاظ سازنده این قاعده در روایات، لازم به نظر می‌رسد پیش از ورود به ادله این قاعده، توضیح مختصری در مورد الفاظ مشترک این قاعده بیان گردد.

الف- لایبطل فعل مضارع مجهول است که از ریشه «بطل» ساخته شده است. بَطَلَ در لغت به معنای «فاسد شد و حکمش ساقط شد» است (فیومی، ۱۴۱۴ ق: ۱/ ۵۲؛ موسی، ۱۴۱۰ ق: ۱/ ۲۴۹؛ سعدی، ۱۴۰۸ ق: ۳۸). در قرآن کریم در موارد بسیاری به همین معنا به کار رفته است، مانند: «لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِکُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى» بقره: ۲۶۴. بطل همراه با کلمه «دم» معنی هدر رفتن را پیدا می‌کند که منظور نظر قاعده «دم المسلم لا یبطل» نیز همین است. (حمیری، ۱۴۲۰ ق: ۱/ ۵۵۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۱۱/

۵۶: زبیدی، ۱۴۱۴ ق، ۵۶/۱۴)

ب- دم: از لحاظ لغوی به معنای خون است. این کلمه در قرآن کریم به صورت مفرد و جمع به کار رفته است که در همه موارد در معنای خون است. (بقره: ۳۰، ۸۴، ۱۷۳؛ مائده: ۳ و ...) دم با نفس یا جان هم معنا دانسته شده است (ازهری، ۱۴۲۱ ق: ۸/۱۳؛ جوهری، ۱۳۷۶ ق: ۹۸۴/۳).

ج- امری: هر چند امری در معنای رجل گرفته شده (جوهری، ۱۳۷۶ ق: ۱/۷۲) و مؤنث آن امرأة و مرأه است (صاحب، ۱۴۱۴ ق: ۲۸۰/۱۰) اما در روایات این قاعده، مطلق انسان اراده شده و تعبیر امری از باب غلبه است.

د- مسلم: مشهور فقها کسی که شهادتین را بر زبان بیاورد مسلمان می دانند (طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۵۵۱/۱؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۵/۲۰۴؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ ق: ۱/۱۴۲؛ محقق سبزواری، ۱۳۴۷ ق: ۱۵۲/۱؛ خویی، ۱۴۱۰ ق: ۵۴؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ ق: ۱۵۵) برخی از فقها عدم انکار ضروریات دین را در کنار اظهار شهادتین شرط اسلام دانسته اند (حلی، ۱۴۰۴ ق: ۱/۲۴۵).

۳. ادله قاعده

ادله قاعده به طور کلی عبارت اند از:

۳-۱. کتاب

آیه ۱۷۸ سوره بقره: «... كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ...» (ای کسانی که ایمان آورده اید، درباره کشتگان، بر شما [حق] قصاص مقرر شده: آزاد عوض آزاد و بنده عوض بنده ...) در شأن نزول این آیه شریفه بیان شده است: بین دو قبیله از اعراب خونریزی هایی رخ می داد؛ به دلیل اینکه یکی از این دو قبیله متمکن تر بودند قسم خوردند که به جای برده، آزاد و به جای زن، مرد و به جای هر مرد، دو مردتان را خواهیم کشت. پس از ظهور اسلام این دو قبیله به نزد پیامبر (ص) رفته، حکم خواستند و این آیه شریفه نازل شد (شحاته، ۱۴۲۳ ق: ۱/۱۵۷؛ طبری، ۱۴۱۲ ق: ۲/۶۰؛ حلی، ۱۴۲۵ ق: ۲/۳۵۴؛ مقدس اردبیلی، ۱۳۷۵: ۹).

این آیه بیانگر حکم قصاص انسان آزاد در برابر انسان آزاد و بنده در برابر بنده است و از آن جهت به قاعده دم المسلم لا یبطل مرتبط است که در مقابل خون فرد مقتول، خون فرد قاتل را قرار داده و در نگاه عرفی مانع از هدر رفتن خون مقتول شده است. این آیه بیانگر مضمون قسمتی از قاعده دم المسلم لا یبطل است اما به محل بحث این پژوهش ارتباط مستقیم ندارد.

آیه ۳۳ سوره اسراء: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» این آیه حکم حرمت قتل نفس محترمه را بیان کرده است. امام موسی کاظم (ع) در توضیح مفهوم اسراف در قتل فرموده‌اند: به معنای کشتن غیر قاتل و یا مثله کردن قاتل است (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ۵۳۵/۱۴).

این آیه شریفه حکم صریحی در خصوص شخصی که در اثر بیماری واگیر جان خود را ازدست داده بیان نمی‌کند؛ البته شخصی که در اثر این بیماری جان خود را ازدست داده مشمول عموم «مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا» می‌شود و حکم به مسئولیت انتقال دهنده از عموم این آیه قابل برداشت است؛ اما این آیه ارتباطی به ضمان بیت‌المال ندارد.

آیه ۹۲ سوره نساء: «... مَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ دِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ ...» این آیه حکم قتل غیر عمد و بحث کفاره و پرداخت دیه را بیان کرده است. عموم «مَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً» می‌تواند شامل قتل در اثر انتقال غیر عمد بیماری و مسئولیت قاتل بر پرداخت دیه باشد ولی ارتباطی به ضمان بیت‌المال ندارد. درمجموع، آیات فوق بیانگر کلیت قاعده «دم المسلم لا یبطل» است؛ بدین معنا که اگر کسی دیگری را به قتل برساند در حالت عمد محکوم به قصاص است و در حالت غیر عمد باید دیه بپردازد.

۳-۲. سنت

روایات را به دودسته می‌توان تقسیم نمود: دسته اول روایاتی که به‌طور عام بیان

کرده‌اند خون مسلمان هدر نمی‌رود و دسته دوم روایاتی هستند که به‌طور صریح مربوط به موردی هستند که شخصی به قتل رسیده و قاتل او مجهول است یا در دسترس نیست.

۳-۲-۱. روایات عام دال بر قاعده

روایات زیادی پیرامون قاعده مذکور وجود دارد. برخی از این روایات در خصوص موردی هستند که قاتل، مالی برای پرداخت دیه ندارد (صدوق، ۱۴۱۵ ق: ۵۳۳؛ طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۶/۲۶۶).

برخی در مورد قتل خطایی است که قاتل عاقله مشخصی ندارد (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ۵۲۱/۱۴؛ صدوق، ۱۴۱۳ ق: ۴/۱۴۱).

۳-۲-۲. روایات صریح محل بحث

با توجه به اینکه در قتل ناشی از بیماری واگیر در بسیاری از موارد قاتل مجهول است یا در فرض معلوم بودن قابل دسترسی نیست در ادامه برخی از روایات که با صراحت بیشتری در این خصوص سخن گفته‌اند ذکر شده است:

الف. روایت عبدالله بن بکیر: «امیرالمؤمنین (ع) در مورد مردی که به قتل رسیده و قاتلش مجهول است فرمود: اگر مقتول شناسایی شد و اولیائی داشت که طلب دیه کنند، دیه او از بیت‌المال مسلمین پرداخت می‌شود و خون مسلمان هدر نمی‌رود...» (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ۱۴/۴۹۳؛ طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۱۰/۲۰۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۲۹ م ۱۴۵؛ فیض، ۱۴۰۶ ق: ۱۶/۸۳۴) این روایت از صریح‌ترین روایاتی است که عموم آن دلالت بر موضوع محل بحث می‌کند. در مورد شخصی که در اثر بیماری واگیر جان خود را از دست داده است نیز قتلی رخ داده که قاتل آن در بسیاری از موارد مجهول است. با استناد به این روایت، در فرضی که قاتل مجهول است حضرت (ع) امر به پرداخت دیه از بیت‌المال نموده‌اند.

ب. روایت ابی بصیر: «اگر شخصی در بیابان کشته یافت شود، دیه‌اش از بیت‌المال پرداخت می‌شود امیرالمؤمنین (ع) فرموده‌اند: خون مسلمان هدر نمی‌رود» (طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۱۰/۲۰۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۲۹/۱۵۷). استدلال به این

روایت نیز مانند استدلال به روایت فوق است چراکه در این مورد نیز شخصی به قتل رسیده است و قاتل او مشخص نیست؛ در این حالت حکم به ضمان بیت‌المال شده است.

ج. روایت ابی بصیر: «از امام صادق (ع) در مورد مردی که دیگری را عمداً به قتل رسانده و فرار کرده و نمی‌توان او را یافت سؤال کردم، حضرت فرمود: اگر مالی دارد دیه از اموال او برداشته می‌شود و گرنه از خویشاوندان او الاقرب فالاقرب گرفته می‌شود؛ اگر خویشاوندی نداشت، امام دیه او را می‌دهد، خون مسلمان هدر نمی‌رود.» (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ۱۴ / ۵۲۲) روایت فوق در موردی است که قتل عمداً رخ داده و قاتل قابل دسترسی نیست، درنهایت حکم به ضمان بیت‌المال می‌شود. در خصوص انتقال بیماری واگیردار نیز در صورت عمد بودن انتقال بیماری به دیگری حکم قصاص مانع از هدر رفتن خون مسلمان می‌شود. ولی اگر انتقال دهنده یافت نشد و عاقله‌ای نداشت، بیت‌المال ضامن خواهد بود. اقوال فقها در این خصوص به‌طور مفصل در ادامه خواهد آمد.

۴. فروض ضمان بیت‌المال در انواع قتل ناشی از انتقال بیماری به غیر

با توجه به اینکه در فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی، قتل دارای سه فرض کلی است، در ادامه انواع قتل ناشی از بیماری واگیر باهدف تبیین ضمان بیت‌المال در هر کدام مورد تحلیل قرار گرفته است.

۴-۱. عمد

قتل عمد از نگاه فقها عبارت است از: خارج کردن روح از جسم شخصی که گناه مستحق مجازات قتل مرتکب نشده است از روی عمد و عدوان (محقق حلی، ۱۴۰۸ ق: ۴ / ۱۸۰؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۱۱ / ۴۲). برخی از فقها بر این باورند که اگر شخصی عمداً بیماری مسری را به دیگری وارد کند و منجر به فوت طرف مقابل شود، قتل عمد محسوب می‌گردد و قاتل مستحق قصاص است (سبزواری، ۱۴۱۳ ق: ۲۹ / ۲۸۷؛

منتظری، بی تا: ۴۸۰/۳.

ماده ۴۹۳ ق.م.ا صراحتاً شخص انتقال دهنده بیماری کشنده را مسئول دانسته و بیان می کند: «وجود فاصله زمانی، میان رفتار مرتکب و نتیجه ناشی از آن، مانع از تحقق جنایت نیست مانند فوت ناشی از انتقال عامل بیماری کشنده، که حسب مورد موجب قصاص یا دیه است...».

با استناد به فقه امامیه، قانون مجازات اسلامی در چهار صورت، قتل را عمد محسوب کرده است:

الف. «هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیر معین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه نشود.»

به استناد بند الف این ماده در محل بحث این پژوهش، اگر فردی به قصد قتل، بیماری را به دیگران منتقل کند، به عنوان مثال عمداً سرنگ آلوده را به دیگری تزریق کند یا عمداً در صورت دیگری عطسه کند و قصد کشتن او را داشته باشد، این رفتار مشمول بند الف ماده ۲۹۰ است و مستحق قصاص می گردد. حال اگر انتقال دهنده معلوم باشد اما یافت نشود یا فوت شده باشد دیه از اموال او برداشت می گردد و اگر اموالی نداشت از عاقله و در صورت نبود عاقله یا عدم تمکن آن ها بیت المال ضامن است. این حکم مستند به ماده ۴۳۵ ق.م.ا است که در همین زمینه مقرر می دارد: «هرگاه در جنایت عمدی، به علت مرگ یا فرار، دسترسی به مرتکب ممکن نباشد با درخواست صاحب حق، دیه جنایت از اموال مرتکب پرداخت می شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد در خصوص قتل عمد، ولی دم می تواند دیه را از عاقله بگیرد و در صورت نبود عاقله یا عدم دسترسی به آن ها یا عدم تمکن آن ها، دیه از بیت المال پرداخت می شود...» که مستند فقهی این ماده قانونی این روایت است: «از امام صادق (ع) در مورد مردی که دیگری را عمداً به قتل رسانده و فرار کرده و نمی توان او را یافت سؤال کردم، حضرت فرمود: اگر مالی دارد دیه از اموال او برداشته

می‌شود و گرنه از خویشاوندان او الاقرب فالاقرب گرفته می‌شود؛ اگر خویشاوندی نداشت، امام دیه او را می‌دهد، خون مسلمان هدر نمی‌رود» (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ۱۴/۵۲۲).

روایت فوق در موردی است که قتل عمداً رخ داده و قاتل قابل دسترسی نیست، در نهایت حکم به ضمان بیت‌المال می‌شود. در خصوص انتقال بیماری واگیردار نیز در صورت عمد بودن انتقال بیماری به دیگری حکم قصاص مانع از هدر رفتن خون مسلمان می‌شود. ولی اگر انتقال دهنده یافت نشد و عاقله‌ای نداشت، بیت‌المال ضامن خواهد بود. این روایت اگرچه در مورد قتل عمد است ولی به دلیل تعلیل وارد شده در روایت غیر عمد را هم شامل می‌گردد (خویی، ۱۴۱۰: ۴۲/۲۴۲) و بنا به تصریح برخی دیگر از علما این حکم در روایت مقید به مرگ قاتل فراری نیست (لنکرانی، ۱۴۲۱: ۳۵۱). در فرض مجهول بودن انتقال دهنده به استناد روایات فوق‌الذکر ابتدا بیت‌المال ضامن است. ماده ۴۸۷ قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ نیز گویای همین حکم است.

ب. «هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، می‌گردد، هرچند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود».

بیماری‌های واگیر قابل دسته‌بندی به نوعاً کشنده و نوعاً غیر کشنده هستند؛ حال اگر فردی بدون قصد قتل اما عمداً بیماری نوعاً کشنده‌ای مانند ایدز یا مرس یا ایبولا را به دیگری منتقل کند، مشمول بند ب ماده ۲۹۰ و مستحق قصاص است؛ مانند فرض الف ممکن است در حالت عدم دسترسی به قاتل یا مجهول بودن قاتل، به استناد ماده ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی بیت‌المال را ضامن پرداخت دیه دانست.

پ. «هرگاه مرتکب قصد ارتکاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، نمی‌شود لکن در خصوص مجنی علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی علیه یا وضعیت خاص

مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد.»

اگر انتقال دهنده، بیماری نوعاً غیر کشنده را بدون قصد قتل به افرادی منتقل کند که دارای شرایط خاصی هستند و بیماری باعث مرگ آنها شود، در صورت علم انتقال دهنده به وضعیت انتقال گیرنده، انتقال دهنده مستحق قصاص است مانند فردی که بیماری نوعاً غیر کشنده را به یک انسان کهن سال یا دارای بیماری خاص منتقل کند. در این فرض مانند بند الف و ب در شرایطی بیت المال ضامن دیه است. ت. «هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن، واقع شود، مانند اینکه در اماکن عمومی بمب گذاری کند».

فرض بند ت در مورد موضوع محل بحث ممکن است فراگیری بیشتری داشته باشد؛ با این توضیح که اگر فرد مبتلا به بیماری واگیردار با علم به بیماری خود و به قصد مبتلا کردن دیگران و جنایت بر آنان در مکان های عمومی رفت و آمد کند و کسانی را به این بیماری مبتلا کند که منجر به مرگ آنان گردد، هر چند انتقال دهنده مجنی علیهم را نشناسد مستحق قصاص است و مانند فرض بندهای قبل در شرایطی بیت المال ضامن دیه مجنی علیهم است.

۴-۲. شبهه عمد

از لحاظ فقهی اگر فرد بیماری واگیردار را به دیگری منتقل نماید، اما از موارد قتل شبه عمد باشد، انتقال دهنده ضامن دیه مجنی علیه خواهد بود (سبزواری، ۱۴۱۳ ق: ۲۹، ص: ۲۸۷). استفتائی با این مضمون از دفتر برخی از مراجع معاصر در این خصوص شده است: اگر شخص مبتلا به بیماری که برخی از علائم احتمالی در او وجود دارد، با افرادی اختلاط کند و ویروس به آنها منتقل شود، مسئولیت چنین فردی در قبال افرادی که به واسطه او مبتلا شده اند، چیست؟

آیت الله مکارم در پاسخ به این سؤال بیان کرده است: در صورتی که این کار سبب ابتلای به بیماری خطرناک منتهی به مرگ می شود دیه تعلق می گیرد و آن کس که باعث شده باید دیه را بپردازد و اگر فقط هزینه درمانی سنگینی دارد آن را باید

بپردازد.^۱

ماده ۲۹۱ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ سه فرض برای شبه عمدی محسوب شدن قتل عمد آورده است:

الف. «هرگاه مرتکب نسبت به مجنی علیه قصد رفتاری را داشته لکن قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد و از مواردی که مشمول تعریف جنایات عمدی می‌گردد، نباشد.»

مانند موردی که فرد با علم به داشتن بیماری واگیر که نوعاً کشنده نیست مانند آنفولانزا، کرونا و... وارد در فضای عمومی جامعه می‌شود و با عطسه و ... سبب انتقال بیماری از خود به دیگری می‌گردد و در اثر این رفتار، بیماری به دیگری منتقل شده و سبب مرگ او می‌شود. در این حالت قتل شبه عمد محسوب شده و جانی موظف به پرداخت دیه است. در قتل شبه عمد در صورتی که جانی مجهول باشد به استناد روایات فوق‌الذکر و ماده ۴۸۷ قانون مجازات بیت‌المال موظف به پرداخت دیه است.

ب. «هرگاه مرتکب، جهل به موضوع داشته باشد مانند آنکه جنایتی را با اعتقاد به اینکه موضوع رفتار وی شیء یا حیوان و یا افراد مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است به مجنی علیه وارد کند، سپس خلاف آن معلوم گردد.»

فرض بند ب در موضوع محل بحث کمتر قابل تصور است؛ البته ممکن است به عنوان مثال بیان گردد فردی که بیماری واگیر داشته فرد دیگری را به اشتباه مشمول ماده ۳۰۲ (مهدورالدم) دانسته و خواسته او را با انتقال بیماری به قتل برساند؛ اما پس از وقوع قتل معلوم می‌شود که در شناخت خود دچار اشتباه شده است. در این فرض نیز مانند بند الف در شرایطی که گفته شد با همان استنادات بیت‌المال ضامن دیه مجنی علیه است.

«هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود، مشروط بر اینکه جنایت واقع شده یا نظیر آن مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد.» مانند پزشکی که در معاینه خود رعایت اصول بهداشتی مانند داشتن دستکش و ماسک و ... را نکرده و ناشی از این

تقصیر سبب انتقال بیماری به غیر شود؛ در این فرض نیز مانند بند الف و ب در صورت مجهول بودن قاتل، بیت‌المال مسئول پرداخت دیه می‌گردد.

۳-۴. خطای محض

قتل ناشی از انتقال بیماری واگیردار به صورت خطای محض نیز قابل تصور است (سبزواری، ۱۴۱۳ ق: ۲۹ / ۲۸۷) که در این صورت ابتدا دیه بر عهده عاقله است و هیچ اختلاف نظری میان فقها و حقوقدانان وجود ندارد که در خطای محض عاقله مرتکب عهده‌دار دیه خواهد بود (نک: کلانتری، شیرزادی فر، ۱۳۹۳، ۸۴). ماده ۴۹۳ ق.م.ا.م صوب ۱۳۹۲ سه فرض برای تحقق قتل خطای محض مطرح کرده است:

الف. «در حال خواب و بیهوشی و مانند آن‌ها واقع شود».

مانند حالتی که فرد در حالت خواب عطسه‌ای کرده و سبب انتقال بیماری کشنده به غیر شده است؛ که در این حالت قتل خطای محض تحقق یافته در صورت مجهول بودن قاتل، بیت‌المال و در صورت معلوم بودن قاتل اصولاً عاقله ضامن است. همین مسئله در کتب فقهی و مجامع روایی شیعه به صراحت ذکر شده است با این توضیح که در روایت معتبری از امام معصوم علیه‌السلام نقل شده است که «حضرت در خصوص مردی که دیگری را به خطا به قتل رسانده است و قبل از پرداخت دیه فوت نموده است فرموده است: دیه بر عهده ورثه ایشان هست و اگر عاقله نبود بر عهده حاکم است که از بیت‌المال بپردازد» (حلی، ۱۴۱۳ ه ق: ۹ / ۳۰۷) و در ذیل این روایت و مسئله برخی گفته‌اند «وقتی که قاتل عاقله ندارد امام عاقله او هست البته امام از بیت‌المال می‌پردازد نه از مال خودش». (اردبیلی، ۱۴۰۳ ه ق: ۱۴ / ۲۸۷) ب. «به وسیله صغیر و مجنون ارتکاب یابد».

ممکن است انتقال بیماری واگیردار توسط صغیر یا مجنون تحقق یابد که در این حالت مانند بند الف در شرایطی بیت‌المال ضامن پرداخت دیه خواهد شد.

پ. جنایتی که در آن مرتکب نه قصد جنایت بر مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را، مانند آنکه تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد

نماید. به عنوان مثال برای بند پ می توان گفت حالتی که انتقال دهنده علم به بیماری خود نداشته است و در اثر رفتاری باعث انتقال بیماری به غیر و قتل او شده است، در این حالت نیز عاقله ضامن است (بهجت، نوری همدانی، نرم افزار گنجینه استفتائات قضایی)؛ اما در شرایطی مانند بند الف و ب بیت المال ضامن دیه خواهد بود. در همه حالت فوق اعم از عمد، شبه عمد و خطای محض اگر قاتل مجهول باشد، به استناد ماده ۴۸۷ ق.م.ا، بیت المال ضامن پرداخت دیه خواهد بود.

۴-۴. فرض مباشرت و تسبیب در انتقال بیماری واگیر

در مسئولیت مدنی و کیفری نکته ای که دارای اهمیت است قابلیت استناد نتیجه به فعل مرتکب است. ماده ۵۲۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ مقرر می دارد: «در کلیه مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری است، دادگاه موظف است استناد نتیجه حاصله به تقصیر مرتکب را احراز نماید.» ماده ۴۹۲ این قانون مقرر می دارد: «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آنکه به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آن ها انجام شود.» به نظر می رسد در حالت عادی انتقال بیماری واگیر به دیگران از باب مباشرت است ولی در موضوع محل بحث این نوشتار تفاوتی بین مباشرتی بودن قتل ناشی از انتقال بیماری واگیر یا تسبیبی بودن آن از جهت ضمان بیت المال بر پرداخت دیه مجنی علیه وجود ندارد.

۵. محذوره های احتمالی ضمان بیت المال

در قتل ناشی از بیماری واگیر در صورت پذیرفتن حکم ضمان بیت المال چند محذور به ذهن می رسد که عبارت اند از:

۵-۱. محدودیت های بیت المال

اولین محذوری این است که منابع بیت المال ممکن است پاسخگوی این حجم از پرداخت دیه نباشد؛ لذا حکم به ضمان بیت المال ممتنع است. در پاسخ به این محذور احتمالی می توان گفت:

اولاً: بررسی علمی یک نکته با امکان اجرای آن درواقع متفاوت است؛ لذا ممکن است در دوره‌ای بیت‌المال این توان را نداشته باشد ولی اینکه اصل حکم شرعی چیست منوط به توان بیت‌المال نخواهد بود.

ثانیاً: ممکن است در عصر حاضر که منابع بیت‌المال گسترش یافته واقعاً چنین توانی برای بیت‌المال وجود داشته باشد.

ثالثاً: در فرض اثبات لزوم پرداخت دیه از بیت‌المال چه بسا حاکمیت اهتمام بیشتری جهت حفظ بهداشت عمومی افراد جامعه به کار بندد تا ملزم به پرداخت دیه کمتری از بیت‌المال گردد و یا با تلاش بیشتری در جهت یافتن قاتل در این گونه قتل‌ها بکوشد تا ملزم به پرداخت دیه نگردد. در این صورت افراد جامعه نیز با وسواس بیشتری رفتار خواهند کرد.

۵-۲. تعارض با قاعده اقدام

بسیاری از موارد انتقال بیماری واگیر، ناشی از حضور انتقال گیرنده در معرض این بیماری است؛ مثلاً فرد در مکان‌های عمومی وارد شده و این ویروس به او منتقل شده یا با شخص بیمار روابطی داشته و این بیماری به او انتقال یافته است. ممکن است گفته شود حال که فرد انتقال گیرنده خود را در معرض این بیماری قرار داده است به استناد قاعده اقدام کسی مسئول جبران خسارت از او نخواهد بود.

در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت:

اولاً: این اشکال ناظر به ضمان بیت‌المال نیست بلکه یک اشکال ابتدایی بر اصل ضمان انتقال دهنده است که بحث آن گذشت و ادله فقهی و حقوقی ضمان انتقال دهنده بیماری واگیر بیان شد که این نکته مورد تصریح برخی از فقها نیز قرار گرفته است و بیان داشته‌اند اگر شخصی عمداً بیماری مسری را به دیگری وارد کند و منجر به فوت طرف مقابل شود، قتل عمد محسوب می‌گردد و قاتل مستحق قصاص است. (سبزواری، ۱۴۱۳ ق: ۲۸۷/۳۹؛ منتظری، بی‌تا: ۴۸۰/۳)؛ و ماده ۴۹۳ ق.م.ا صراحتاً شخص انتقال دهنده بیماری کشنده را مسئول دانسته است.

ثانیاً: با توجه به کاربردهای قاعده اقدام از گذشته تا حال، فقها این قاعده را برای

مباحث مالی و عقود مطرح کرده‌اند نه مباحث مرتبط با نفس. (علامه حلی، ۱۴۲۰ ق: ۵۳۹ / ۲؛ بحرانی، ۱۴۰۵ ق: ۳۱۰ / ۲۱؛ انصاری، ۱۴۱۴ ق: ۱۲۳؛ مراغی، ۱۴۱۷ ق: ۲ / ۴۸۶؛ بجنوردی، ۱۴۱۹ ق: ۱۰۳ / ۲؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۱ ق: ۴۰۳ / ۱؛ علاوه بر این برخی از فقها به ارتباط این قاعده به مباحث مالی تصریح کرده‌اند (مکارم، ۱۴۱۱ ق: ۱۰۸ / ۱؛ مصطفوی، ۱۴۲۳ ق: ۱۱۹؛ بجنوردی، ۱۴۱۹ ق: ۹۲ / ۱). درواقع این قاعده استثنائی بر قاعده احترام عمل و مال مسلمان است.

ثالثاً: انسان مالک نفس خود نیست که بتواند آن را در معرض خطر قرار دهد، به همین دلیل در حقوق ایران رضایت مجنی علیه از عوامل رافع مسئولیت کیفری محسوب نشده است (اردبیلی، ۱۳۸۲: ۱۸۹/۱ - ۱۸۸) با توجه به اینکه قوانین جزایی از قوانین آمره محسوب می‌شوند و برای تحقق نظم عمومی و بقای جامعه تدوین شده‌اند اراده مجنی علیه قادر نیست خللی در اجرای آن فراهم آورد (هاشم پور و دیگران، ۲۰۲۰، ۲۰۳).

۵-۳. قائل نداشتن ضمان بیت‌المال

یکی از ایراداتی که ممکن است به ضمان بیت‌المال در این فرض گرفته شود، قائل نداشتن این قول (ضامن بودن بیت‌المال در قبال بیماری‌های واگیردار) در طول تاریخ فقه شیعه است.

در پاسخ می‌توان گفت اینکه فقیهی در طول تاریخ چنین فرضی را مطرح نکرده است منعی برای طرح آن در عصر حاضر محسوب نمی‌شود. علاوه بر این هیچ فقیهی قائل نداشتن یک قول را دلیل بر بطلان آن قول محسوب نکرده است.

۵-۴. این نوع قتل یا مرگ از استثنائات قاعده است

ممکن است ایراد شود که جنایت ناشی از بیماری واگیر از ذیل قاعده استثناء شده است. برای قاعده لایبطل استثنائاتی ذکر شده است که عبارت‌اند از:

الف. خودزنی و خودکشی: در این صورت دیه او بر کسی نیست (گلپایگانی، ۱۴۰۹ ه ق: ۲۷۹ / ۳).

ب. جنایت خطایی بر خویش: اگر کسی نسبت به خودش مرتکب جنایت خطایی گردید

خواه در نفس و خواه در اعضا خونش هدر است (سبزواری، ۱۴۰۳، ق، ۳۵۰/۲۹).
 ج. مرگ قضا و قدری: اگر کسی بمیرد ولی نتوان مرگ او را مستند به اختیار کسی کرد دیه‌ای به او تعلق نمی‌گیرد. چراکه تعلیل در قاعده شامل مواردی که مرگ به قضا و قدر الهی باشد و استناد به اختیار شخصی نباشد، نمی‌شود (خویی، ۱۴۲۲ هـ ق، ۲۷۶/۴۲) و به عبارت دیگر وقتی عامل انسانی مختار در مرگ کسی دخیل نباشد و نتوان مرگ را به فردی غیر از مجنی علیه مستند نمود از شمول قاعده خارج است و دیه‌ای به این فرد تعلق نمی‌گیرد.
 در نتیجه شرط ضمان بیت‌المال در جنایت ناشی از بیماری واگیر دخالت عامل انسانی غیر از خود فرد است که در محل بحث این نوشتار این شرط موجود است؛ لذا نمی‌توان جنایت ناشی از بیماری واگیر را از ذیل این قاعده خارج نمود.

۶. نتیجه

برآیند نوشتار حاضر را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. در آموزه‌های اسلامی نیز جان انسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حفظ جان انسان در سایه امنیت همه‌جانبه قابل تحقق است که ایجاد این مهم از وظایف حاکمیت‌هاست. یکی از ابعاد مهم امنیت، امنیت بهداشتی است. تقصیر حاکمیت‌ها در برقراری امنیت بهداشتی یا تقصیر در سزا دهی برهم زندگان امنیت بهداشتی می‌تواند منجر به ایجاد مسئولیت بر دوش حاکمیت‌ها شود.
۲. قاعده «دم المسلم لا یبطل» بیانگر مسئولیت حاکمیت در قبال افرادی است که بی‌دلیل به قتل رسیده‌اند و حاکمیت اسلامی نتوانسته قاتل آن‌ها را بیابد. یکی از موارد شایع این‌گونه قتل‌ها، قتل ناشی از بیماری واگیر است که در شرایطی بیت‌المال ضمان دیه مقتول خواهد بود.
۳. موارد ضمان بیت‌المال در انواع قتل عبارت‌اند از: ۱. در قتل عمد بیت‌المال در دو فرض ضامن دیه خواهد بود. الف: انتقال‌دهنده مجهول باشد ب. انتقال‌دهنده معلوم باشد ولی دسترسی به او ممکن نبوده و مالی نیز نداشته باشد، علاوه بر

این عاقله‌ای نیز نداشته یا عاقله‌اش تمکن بر پرداخت دیه نداشته باشند. ۲. در قتل شبه عمد در صورتی که انتقال دهنده بیماری مجهول باشد دیه بر بیت‌المال خواهد بود. ۳. در قتل خطای محض در دو فرض بیت‌المال ضامن محسوب می‌شود: الف. انتقال دهنده مجهول باشد. ب. انتقال دهنده معلوم باشد ولی عاقله نداشته باشد یا عاقله تمکن بر پرداخت دیه نداشته باشند.

۷. پیشنهاد

۱. هرچند با استناد به روایات و ماده ۴۹۳ و ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ضمان بیت‌المال در خصوص جنایت ناشی از بیماری واگیر قابل اثبات است ولی می‌توان به عنوان تصریح در این زمینه تبصره‌ای به ماده ۴۸۷ این قانون به این صورت افزود:

«در قتل ناشی از بیماری واگیر نیز در صورت مجهول بودن قاتل، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌گردد. سایر موارد ضمان بیت‌المال تابع مقررات مربوطه در انواع قتل است.»

۲. با توجه به اینکه از زمان تصویب قانون «طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی یا واگیردار» مصوب ۱۳۳۰ زمان زیادی می‌گذرد و همچنین نظر به گسترش جهانی برخی از بیماری‌های واگیر، بازنویسی و اصلاح در قانون سابق و یا نوشتن قانون جدید متناسب با وضع امروزی جامعه ضروری به نظر می‌رسد.

۸. منابع

قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۲. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۲ ش). حقوق جزای عمومی. تهران: نشر میزان.
۳. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ ق). تهذیب اللغة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. انصاری، مرتضی (۱۴۱۴ ق). رسائل فقهیه. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۵. بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹ ق). القواعد الفقهیه، قم: نشر الهادی.

۶. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷. بهجت فومنی، محمد تقی (۱۴۲۶ ق). جامع المسائل. قم: دفتر معظم له.
۸. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ ق). غرر الحکم و درر الکلم، محقق: سید مهدی رجائی. قم: دار الکتاب الإسلامی.
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ ق). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة. بیروت: دار العلم للملایین.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعه فی تحصیل احکام الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۱۱. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ ق). تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۲. حلی، جعفر بن حسن (۱۴۱۲ ق). نکت النهایة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: اسماعیلیان.
۱۴. حلی، مقداد بن عبد الله (۱۴۰۴ ق). التنقیح الرائع لمختصر الشرائع. قم.
۱۵. حلی، مقداد بن عبد الله (۱۴۲۵ ق). کنز العرفان فی فقه القرآن. قم: انتشارات مرتضوی.
۱۶. حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ ق). شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکوم. دمشق: دار الفکر.
۱۷. خمینی، سید روح الله (۱۴۲۱ ق). کتاب الطهارة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
۱۸. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ ق). تکملة المنهاج. قم: مدينه العلم.
۱۹. خویی، سید ابو القاسم (۱۴۲۲ هـ ق). مبانی تکملة المنهاج. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ره.
۲۰. زبیدی، محمد (۱۴۱۴ ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الفکر.
۲۱. سبزواری، سید عبد الأعلى (۱۴۰۳ ق). مهذب الأحکام فی بیان الحلال و الحرام. قم: مؤسسه المنار.
۲۲. سعدی، ابوجیب (۱۴۰۸ ق). القاموس الفقهي لغة و اصطلاحا. دمشق: دار الفکر.

۲۳. شحاته، عبدالله محمود (۱۴۲۳ ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۴. صاحب، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ ق). المحيط فی اللغة. بیروت: عالم الکتب.
۲۵. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۵ ق). المقنع. قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام.
۲۶. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۷. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۰۹ ق). العروة الوثقی فیما تعم به البلوی. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۸. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ ق). الاستبصار فیما اختلف من الأخبار. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ ق). الخلاف. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ ق). المبسوط فی فقه الإمامیة. تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ ق). تهذیب الأحکام. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۳۳. عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۳۴. عاملی، محمد بن مکی (۱۴۱۹ ق). ذکر الشیعة فی أحکام الشریعة. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۳۵. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶ ق). الوافی. اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام.
۳۶. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی. قم: مؤسسه دار الهجرة.
۳۷. قورچی بیگی، مجید، ملک، علی. (۲۰۲۰). تأثیر مرگ قاتل عمد بر ثبوت دیه در حقوق کیفری ایران. پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۵۹، (۱۶)، ۱۷۹-۲۰۲.

۳۸. کلانتری، کیومرث، شیرزادی فر، فرشاد (۲۰۱۷). قتل ناشی از شبهه در هدف با نگاهی به قانون مجازات اسلامی. پژوهش های فقه و حقوق اسلامی. ۳۵(۰)، ۷۹-۹۶.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق). الکافی، قم: دار الحديث للطباعة و النشر.
۴۰. کوه کمری، سید محمد بن علی حجت (۱۴۰۹ ه ق). کتاب البیع. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۱. گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۰۹ ه ق). مجمع المسائل. قم: دار القرآن الکریم.
۴۲. لنکرانی، محمد فاضل (۱۴۲۱ ق). تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - القصاص. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۴۳. مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۶ ق). روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه. قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور.
۴۴. محقق سبزواری، محمد باقر (۱۲۴۷ ق). ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۴۵. مراغی، سید میر عبد الفتاح (۱۴۱۷ ق). العناوین الفقهیة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۶. مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۴۲۳ ق). فقه المعاملات. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۷. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق). المقنعة. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۴۸. مقدس اردبیلی، احمد (۱۳۷۵ ش). زبدة البیان فی احکام القرآن. تهران: مکتبه المروضیه.
۴۹. مکارم، ناصر (۱۴۲۷ ق). استفتاءات جدید، قم: انتشارات مدرسه امام علی (ع).
۵۰. مکارم، ناصر (۱۴۱۱ ق). القواعد الفقهیة. قم: انتشارات مدرسه امام علی (ع).
۵۱. منتظری، حسین علی (بی تا). رساله استفتاءات. قم: بی نا.
۵۲. موسوی اردبیلی، سید عبد الکریم (۱۴۲۷ ق). فقه الحدود و التعزیرات. قم: مؤسسه النشر لجامعة المفید رحمه الله.
۵۳. موسوی خمینی، سید مصطفی (۱۴۱۸ ق). کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
۵۴. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۲۱ ق). کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار

امام خمینی قدس سره.

۵۵. موسی، حسین یوسف (۱۴۱۰ ق). الإفصاح فی فقه اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

۵۶. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۵۷. هاشم پور، مدیحه، عظیمی گرکانی، هادی، احسانپور، سید رضا (۲۰۲۰). ضمان قتل ناشی

از جماع در فقه و حقوق کیفری ایران. پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۶۱ (۱۶)

۱۹۹-۲۰۸.

سایت‌ها:

۱- www.irna.ir/news/۸۳۶۹۶۸۳

